

## **Distinguishing the Effect of Ḍamīmah and Inḍimām in Intention of Taqarrub<sup>1</sup>**

**Mohammad-Reza Naeini**

Teacher of Advanced Studies in Fiḡh and Usūl at the Ḥawzah al-‘Ilmīyah of Qom;  
mrnaeini47@gmail.com

**Mohammad Hakim**

Student of the Ḥawzah al-‘Ilmīyah of Qom and a PhD student in Jurisprudence and Principles of Islamic Jurisprudence, Farābī Campus, University of Tehran, Qom, Iran-Iran (*Corresponding Author*); khak\_mohammad@yahoo.com

Receiving Date: 2019-06-12; Approval Date: 2019-09-17

### *Abstract*

One of the most challenging topics in the field of *ibādāt* (worship) is the analysis of the various types of *ḍamīmah* (attachment) and the rulings of methods of *inḍimām* (combining) the intention with *nīyyah* of *taqarrub* (intention to find proximity to God), which leads to the disruption of the nature of *nīyyah* (intention) and the denial of correctness in devotional behaviour. This study, which uses an analytical-descriptive method, first, deals with the conceptualization of the intention of *qurbah* (intention of drawing close to God), and considers the conjunctive motivation of the expression of servanthood

1 . *Hakim - M; (2022); "Distinguishing the Effect of Ḍamīmah and Inḍimām in Intention of Taqarrub"; Jostar\_Hay Fiḡhi va Usuli; Vol: 7 ; No: 25 ; Page: 161-194 ; Doi: 10.22034/jrj. 2020.54513. 1706*

**Copyright** © 2022, Author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

as a criterion for the realization of the nīyyah of worship. Then, it explains the differences between standard and sufficient nīyyah in worship and the purity of intention necessary to attain the perfection of action. Next, it tries to explain the various types of ḍamīmah and the methods of combining (inḍimām) the intention to the nīyyah of taqarrub, and also to validate the views of the fuqahā (jurists) about the rules of ḍamīmah and inḍimām. In fiqhī (jurisprudential) texts, analysis of the ruling of combining the intention of worship general causes which has no inherent contradictions with ikhlās (spiritual devotion), has given rise to views such as, permissibility of such inḍimām and the validity of action, denying the validity of devotional behaviour due to the non-realization of the exclusive and pure sincerity meaning, and detailed view based on methods of inḍimām or preference of ḍamīmah. Some opinions such as just losing the thawāb (reward), the non-necessity of repeating the action, and also the invalidity of devotional acts and the need to perform it anew or make it up have been voiced regarding ḍamīmah intention which is contrary to ikhlās, such as rīyā (pretend virtuousness). The selected theory in this study is based on standard nīyyah in worship which is obtained by analyzing the Qur'ānic and ḥadīthī documents in this field. This view is the opinion of the permissibility of inḍimām and the validity of action in the ḍamīmah of the first type, and the opinion of the invalidity of worship in ḍamīmah of the second type in various styles of inḍimām. Also, in attachment (ḍamīmah) of the intention of other matters which are not in conflict with ikhlās, the opinion of absolute validity is accepted by refinement of the basis of a ruling.

*Keywords:* nīyyah, intention of qurbat, standard of nīyyah, inḍimām to nīyyah, accidental ḍamīmah, the effect of ḍamīmah on nīyyah.

# بازشناسی تأثیر گونه‌های ضمیمه و انضمام در نیت تقرّب<sup>۱</sup>

محمدرضاناثینی

استاد درس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم؛ رایانامه: mrmaeini47@gmail.com

محمد حکیم

طیبه‌درس خارج حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران؛ پردیس فارابی؛ (نویسنده مسئول)؛

رایانامه: khak\_mohammad@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۳/۲۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۲۶

بازشناسی تأثیر  
گونه‌های ضمیمه و انضمام  
در نیت تقرّب

## چکیده

۱۶۳ واکاوی گونه‌های متنوع ضمیمه و احکام اسلوب‌های انضمام قصد به نیت تقرّب که ممکن است به اخلال در ماهیت نیت و نفی صحت در رفتار عبادی منجر شوند، در شمار مباحث چالش برانگیز در ساحت عبادات قلمداد می‌شود و دیدگاه‌های گوناگونی را در تاریخ فقه پدیدار ساخته است. این جستار که با روش تحلیلی - توصیفی سامان یافته است، در آغاز، به مفهوم‌شناسی قصد قربت می‌پردازد و انگیزه ارتکازی اظهار بندگی را معیار تحقق نیت عبادت می‌داند. همچنین، تفاوت نیت معیار و کافی در عبادات و خلوص نیت لازم برای کسب کمال عمل را تبیین می‌کند. سپس به تبیین گونه‌های متنوع ضمیمه و روش‌های انضمام قصد به نیت تقرّب و نیز اعتبارسنجی دیدگاه‌های فقیهان درباره احکام ضمیمه و انضمام، اهتمام می‌ورزد. در متون فقهی، واکاوی حکم انضمام قصد لوازم

۱. حکیم، محمد. (۱۴۰۰). بازشناسی تأثیر گونه‌های ضمیمه و انضمام در نیت تقرّب. فصلنامه علمی - پژوهشی جستارهای فقهی و اصولی، ۷(۲۵)، صص: ۱۹۴-۱۶۱.

عادی عبادات که فاقد منافات ذاتی با اخلاص هستند، دیدگاه‌هایی را در پی داشته‌است؛ دیدگاه‌هایی چون جواز این گونه انضمام و صحت عمل، نفی صحت از رفتار عبادی به دلیل عدم تحقق معنای انحصاری و محض اخلاص و نیز تفصیل براساس شیوه‌های انضمام یا رجحانِ ضمیمه. دربارهٔ قصد ضمیمهٔ منافی با اخلاص، مانند ریا نیز دیدگاه‌هایی همچون صرف سقوط ثواب و عدم وجوب تکرار عمل و همچنین نظریهٔ بطلان عمل عبادی و نیازمندی به اعاده یا قضا در صورت‌های متنوع انضمام ارائه شده‌است. نظریهٔ برگزیده در مقاله حاضر بر مبنای نیتِ معیار در عبادات است و از تحلیل و بررسی مستندات قرآنی و حدیثی در این زمینه به دست می‌آید. این نظریه دیدگاه جواز انضمام و صحت عمل در ضمیمهٔ گونهٔ نخست و دیدگاه بطلانِ عبادت در ضمیمهٔ گونهٔ دوم در اسلوب‌های گوناگون انضمام است. همچنین در ضمیمهٔ قصدِ سایر اموری که فاقد منافات با اخلاص هستند، با تنقیح مناظر، نظریهٔ صحتِ مطلق پذیرفته می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** نیت، قصد قربت، معیار نیت، انضمام به نیت، ضمیمهٔ عرضی، تأثیر ضمیمه در نیت.

## ۱. مقدمه

فقیهان با وفاق دیدگاه، قصد قربت را در عبادات معتبر می‌دانند و آن را جزء اساسی ماهیت عبادت و شاخص تمایز عمل عبادی از سایر رفتارهای مکلفان قلمداد می‌کنند. بر همین اساس، پژوهشگران دانش فقه در مباحثی دیرین و درازدامنه، به مفهوم پژوهی، ماهیت‌شناسی و تحلیل ویژگی‌های نیت تقریب در عبادات پرداخته‌اند و دیدگاه‌های متعدد و متفاوتی را در این ساحت ارائه نموده‌اند. در همین زمینه، شناخت آسیب‌های احتمالی نیت عبادت، قلمرو آسیب‌ها، حفاظت از قصد قربت و جلوگیری از خدشه به آن که به اخلال در ماهیت و صحت رفتار عبادی می‌انجامد، از اهمیت فراوان برخوردار است.

مسئلهٔ انضمام و الحاقِ قصدها و نیت‌هایی متفاوت از قربت در ضمن نیت عبادت به عنوان یکی از مباحث مهم و چالش‌برانگیز در این حوزه به شمار می‌آید و در متون فقهی نظریات پراکنده و گوناگونی را به خود اختصاص داده‌است، اما تاکنون به طور مستقل و تخصصی استخراج و تحلیل نشده‌است و دیدگاه‌های ارائه شده در این

جستارهای

فقهی و اصولی

سال ششم، شماره پیاپی ۲۵

زمستان ۱۴۰۰

۱۶۴

ساحت مورد اعتبارسنجی واقع نگردیده‌اند. البته پیش از این، برخی پژوهش‌ها در زمینه امکان‌سنجی و تبیین صحت اعمال عبادی با وجود انگیزه‌های طولی سامان یافته‌است (ر.ج: فخلعی و شیخی، ۱۳۹۰، ۸۵). این بررسی‌ها به تحلیل آرای فقیهان درباره منافات نیت عبادت با انگیزه اخذ اجرت در انجام عمل عبادی - که در طول قصد قربت واقع است - پرداخته‌اند. روشن است که تبیین نظریه داعی بر داعی (انگیزه قرب بر انگیزه مزد)، بر مبنای صحت طولی بودن انگیزه‌های انجام عبادت مورد تمرکز این پژوهش‌ها بوده‌است (گلباغی ماسوله، ۱۳۹۶، ۵۷، ۶۳)، اما هیچ‌کدام از پژوهش‌های یادشده به ضمایمی که در عرض نیت قربت و قصد امتثال امر عبادی قرار می‌گیرند و به انضمام یکدیگر نیت انجام عبادت را محقق می‌سازند، اشاره نکرده‌اند و تأثیر آن‌ها را در صحت نیت و تحقق هویت عبادت مورد واکاوی قرار نداده‌اند.

این نوشتار با رویکردی جدید و متفاوت از تحقیقات پیشین در منابع فقهی، با توجه به اثرگذاری مسئله در مباحث مختلف ابواب عبادات، در مجال خود به واکاوی گونه‌های مختلف ضمیمه، روش‌های متعدد انضمام عرضی قصدها به نیت تقرب و تحلیل آثار هرگونه از ضنائم می‌پردازد و آرای مطرح‌شده در متون فقهی را در این زمینه ارزیابی می‌کند. بی‌تردید گونه‌های متنوع ضمیمه عرضی که سازنده نیت متشکل از دو جزء (قصد قربت و قصد ضمیمه) هستند، با حکم یکسان و دیدگاه فراگیر مواجه نیستند و هرکدام از این قصدها در صورت انضمام به قصد قربت، آثار متفاوتی را می‌آفرینند. روش‌های متفاوت انضمام (استقلالی یا تبعی و بنیادین یا الحاقی بودن انضمام) نیز نقش‌های متفاوتی را در صحت یا بطلان رفتار عبادی ایفا می‌کنند.

بر این اساس، بررسی‌های انجام‌گرفته در این جستار برای کشف پاسخ تحلیلی به پرسشی اساسی است که در قالب این گزاره مطرح می‌شود: «گونه‌های مختلف ضمیمه به قصد قربت معتبر در عبادات و روش‌های گوناگون انضمام چه آثاری را در ماهیت نیت و صحت اعمال عبادی در پی خواهند داشت؟»

کشف معیار و ملاک در نیت معتبر در عبادات، فرایند تحقیق و کشف پاسخ به پرسش یادشده را تسهیل می‌سازد و به همین سبب مورد توجه ویژه در نوشتار حاضر

بازشناسی تأثیر  
گونه‌های ضمیمه و انضمام  
در نیت تقرب

۱۶۵

قرار گرفته است. کفایت «انگیزه ارتکازی در اظهار بندگی»، ملاک تحقق نیت و معیار پذیرفته شده در جستار حاضر است و نسبت به خلوص نیت لازم برای کسب کمال عمل عبادی، متفاوت است. معیار یادشده در رهیافت تحلیل گونه‌های ضمایم و اسلوب‌های متنوع انضمام و اثبات فرضیه تحقیق از جایگاهی مؤثر برخوردار است.

## ۲. مفهوم‌شناسی نیت تقرب

فقیهان با پذیرش اعتبار نیت در تحقق عمل عبادی (سید مرتضی، ۱۴۱۷ق، ۱۱۰؛ شهید اول، ۱۴۱۹ق، ۱۰۴/۲؛ عاملی، ۱۴۱۱ق، ۱۸۷/۱؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ۴۷۹/۱۵)، به تبیین و تحلیل این نهاد معتبر در ساحت عبادات پرداخته‌اند.

### ۲-۱. مفهوم نیت

«نیت» در لغت به معنای «عزم»،<sup>۱</sup> «قصد»، «توجه و التفات قلبی» و «قصد قلبی نسبت به یک رفتار» (فراهدی، ۱۴۱۰ق، ۳۱۴/۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۸۳۱؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ۲۶۶/۲۰) تعریف شده است. فقیهان نیز در تبیین نیت به معنای لغوی آن توجه داشته‌اند و نیت را به معنای «قصد و اراده مؤثر در وقوع فعل عبادی که باعث تبدیل یک رفتار به رفتار اختیاری می‌شود»، دانسته‌اند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۷۵/۲، ۱۵۴/۹). آنچه روشن است این است که نیت دارای جایگاه قلبی است (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ۱۴۹/۱؛ عاملی، ۱۴۱۹ق، ۲۷۴/۲) و فاقد حقیقت شرعی و متشرعه جدید در نصوص دینی است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۷۶/۲). تحقق نیت معتبر در عبادات در نگاه فقیهان متقدم به مفهوم «گذراندن عمل عبادی در ذهن و قلب و استحضار ذهنی نسبت به آن» بوده است (طوسی، ۱۳۸۷، ۱۹/۱؛ فیض، ۱۳۸۷، ۳۹۲) و در متون فقهی متأخر، نیت به معنای «اراده ایجاد فعل به صورت مأموریه شرعی» (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ۱۴۹/۱؛ عاملی، ۱۴۱۹ق، ۲۷۴/۲)؛ «داعی و محرک

جستارهای  
فقهی و اصولی

سال ششم، شماره پیاپی ۲۵  
زمستان ۱۴۰۰

۱۶۶

۱. براساس دیدگاه برخی از لغت‌شناسان نیت را باید متفاوت از عزم دانست، زیرا واژه «نیت» از ریشه (نوی) به معنای «بُعد و دوری» است و اراده‌ای را بیان می‌کند که از فعل، تقدّم و فاصله زمانی قابل توجه و بیش از یک «آن» دارد. اما «عزم» گاه ممکن است مدتی طولانی نسبت به رفتاری که عزم به آن تعلق یافته است، تقدّم داشته باشد و گاه نیز ممکن است در زمان اندک حتی یک «آن»، پیش از اقدام به عمل تحقق یابد (عسکری، ۱۴۰۰ق، ۱۱۸). برخی از محققان نیز تفاوت این دو مفهوم را چنین بیان داشته‌اند: «اراده آدمی اگر به مرحله عمل بینجامد و مقرون به فعل گردد، نیت نامیده می‌شود، اما عزم اراده پنهان و باطنی است که هنوز به مرحله عمل در نیامده است» (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۵، ۳۷۰۷/۷-۳۷۰۸).

مكلف برای انجام عمل عبادی» (بهبهانی، ۱۴۲۲ق، ۴۱۳/۱، ۳۶۳/۳) و «داعی و انگیزه‌ای که در نفس، انبعاث (برانگیختگی) و میل به اقدام عملی را تحقق می‌بخشد» (هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۷ق، ۳۲۵/۶) معرفی شده است. برخی از محققان نیز نیت عبادات را این گونه تبیین کرده‌اند: «قصد و اراده رفتار هنگامی که نتیجه انگیزه تقرب باشد، نیت عبادت است. این نیت از دو رکن اساسی تشکیل یافته است: نخست اراده و دوم برانگیختگی از انگیزه تقرب. بر این اساس، ملاک عبادی بودن اعمال این است که اراده و قصد انجام عمل از داعی قُربی (انگیزه نزدیکی به خداوند) ناشی شده باشد، نه صرف صدور ارادی عمل» (آملی، ۱۳۸۰، ۴۲۲/۳).

در زمینه اثبات وجوب و اعتبار نیت در عبادات و رکنیت یا شرطیت آن برای صحت عبادات شرعی (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۱۵۴/۹، ۱۸۶/۱۶) به روایات متعددی از معصومان علیهم‌السلام که اعمال را وابسته به نیت‌ها می‌شمارند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۱۸۶/۴، طوسی، ۱۴۱۴ق، ۶۱۸) استناد شده است (حلی، ۱۴۰۷ق، ۱۳۹/۱، ۳۹۰؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ۷۸/۲). برخی از روایات اخلاص (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱۵/۲) نیز به عنوان مستندات اعتبار نیت در عبادات شرعی مورد تمسک قرار گرفته‌اند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۷۷/۲).

البته باید توجه داشت که بدون مستندات روایی نیز بطلان عبادت بدون قصد روشن است، زیرا فعل فاعل عاقل و مختار قابل جدایی از قصد فعل و اراده انجام عمل نیست (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۷۸/۲) و اساساً تکلیف به اقدام بدون قصد و اراده، تکلیف خارج از قدرت مکلف (مالا یطاق) و محال است (عاملی، ۱۴۱۱ق، ۱۵۸/۱). البته نیت معتبر در عبادات متفاوت از «قصد به‌جا آوردن عمل» به طور مطلق است، زیرا هیچ یک از افعال اختیاری، چه اعمال عبادی و چه غیرعبادی، بدون قصد امکان تحقق نمی‌یابند. بنابراین، نیت عبادت علاوه بر قصد انجام، باید برای نزدیکی به ساحت خداوند و امتثال فرمان او تحقق یابد (فیض، ۱۳۸۷، ۳۹۱-۳۹۲).

## ۲-۲. مفهوم قربت

با وجود اتفاق نظر فقیهان در زمینه اعتبار و وجوب قصد قربت در عبادات، در معنا و کیفیت آن اختلاف نظر است (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ۲۷۴/۱).

## ۲-۲-۱. دیدگاه‌های فقیهان درباره معنای قربت

احتمالات متعدد مطرح شده در منابع فقهی درباره معنای قربت (مسجدسرای، ۱۳۹۳، ۲۸) در گزاره‌های سه گانه ذیل قابل گردآوری است:

الف. انجام عمل همراه با قصد ارتقای مقام و نزدیک شدن به پروردگار و قصد امتثال امر او به طور توأمان و همزمان (حلی، ۱۴۱۷ق، ۵۳).

ب. داعی (انگیزه) و هدف بالا رفتن مقام و قرب به ساحت الهی و دستیابی به ثواب به وسیله امتثال تکلیف خداوند (عاملی، ۱۴۱۱ق، ۱۸۷/۱؛ آملی، ۱۳۸۰، ۴۲۲/۳).

در این دیدگاه، قصد تقرب به خداوند به عنوان علت غایی اقدام دانسته شده است. برخی از حدیث‌شناسان عبارات روایی دال بر وابستگی اعمال به نیت‌ها همچون «(الاعْمَلُ إِلَّا بِنِيَّةٍ)» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۱۸۶/۴) را به این معنا دانسته‌اند که یک رفتار، تنها در صورتی در شمار عبادت خداوند قلمداد می‌شود و ترتب ثواب بر آن صحیح است که در آن عمل، تقرب به خداوند و رسیدن به ثواب یا رهایی از عقاب او اراده شده باشد (فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ۳۶۱/۴).

ج. کفایت قصد امتثال امر و اطاعت از فرمان پروردگار (شهید اول، ۱۴۱۹ق، ۱۰۴/۲). در نگاه طرفداران این دیدگاه، اگر تقرب غایت عمل عبادی را صورت بخشد و قصد ثواب انگیزه انجام عبادت باشد، با حقیقت و روح عبودیت منافات دارد و بیشتر به نوعی معامله دور از شأن والای الهی شبیه است تا عبادت او (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۸۶-۸۷/۲، ۱۵۵/۹) و به همین سبب، عبادت انجام گرفته با قصد به معنای یادشده باطل است (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ۱۷۷/۲). بنابراین آنچه به عنوان نیت در عبادات اعتبار دارد، قصد اطاعت و امتثال به طور محض و خالص است (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ۹۸/۱؛ سعدی ابوجیب، ۱۴۰۸ق، ۲۹۸).

جستارهای

فقهی و اصولی

سال ششم، شماره پیاپی ۲۵

زمستان ۱۴۰۰

۱۶۸

## ۲-۲-۲. بررسی دیدگاه‌ها و ارائه معیار

الف. رفتارهای عبادی که با قصد ثواب و نیت رهایی از عقاب انجام گرفته‌اند، هرچند به نوعی معامله شبیه‌اند، اما معامله با خداوندی قلمداد می‌شوند که خود، عبادات بندگان را «تجارت با خویش» (صف/۱۰) یا «خرید و فروش با خدا» (توبه/۱۱۱)



معرفی فرموده است. بر این اساس، نمی‌توان عبادات با نیت کسب ثواب و دفع عقاب را به دلیل شباهت به معامله باطل دانست. همچنین در قرآن کریم عمل انجام گرفته به نیت تقرب به خداوند به عنوان عمل مورد قبول حضرتش معرفی شده است (مانده/۲۷). در روایات نیز وصف و عنوان «عبادت» از اقدامات عبادی که با میل و هدف کسب ثواب یا اجتناب از عقاب به انجام می‌رسند، سلب نشده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۸۴/۲).

ب. حقیقت عبودیت انجام اعمالی است که رنگ الهی دارند و مکلف با آن اقدامات، بندگی خویش را به ظهور می‌رساند. در این مسیر، انجام فرامین الهی با «انگیزه ارتکازی اظهار بندگی» کفایت می‌کند و همین میزان از انگیزه ارتکازی معیار در نیت عبادت است.

عبادت به معنای اظهار عبودیت برای خداوند متعال با انگیزه امتثال اوامر الهی است که آن انگیزه در ذهن انسان رسوخ و ثبوت دارد (فیض کاشانی، بی‌تا، ۴۸/۱-۴۹) و اشتراط صورتی خاص از نیت و عدم اعتبار سایر گونه‌های نیت در این اظهار بندگی ادعایی بدون دلیل محسوب می‌شود. ادله شرعی و متون کهن فقهی نیز تنها بر این دلالت دارند که قصد انجام رفتاری ویژه برای خداوند بدون ویژگی خاصی برای آن قصد، عبادت را محقق می‌سازد (دیلمی، ۱۴۰۴ق، ۹۶؛ حلی، ۱۴۱۷ق، ۵۲) و همین مقدار در تحقق معنای قصد قربت کفایت می‌کند. بنابراین، عبادت و اظهار بندگی آن چنان که با قصد امتثال اوامر الهی صحیح است با غایت تقرب نیز صحیح خواهد بود.

بازشناسی تأثیر  
گونه‌های ضمیمه و انضمام  
در نیت تقرب

۱۶۹

### ۳. گونه‌های ضمیمه و شیوه‌های انضمام

مقاصدی که ممکن است به نیت تقرب در عبادات «ضمیمه» شوند و در عرض قصد قربت قرار گیرند، از گونه‌های متنوعی برخوردارند. انضمام آن‌ها نیز ممکن است به اسلوب‌های مختلفی انجام گیرد. هرچند فقیهان به برخی از این گونه‌ها اشاره کرده‌اند (علامه حلی، بی‌تا، ۹/۱) و در برخی از متون فقهی با روش‌های مختلف به ارائه تقسیم‌بندی در این زمینه پرداخته شده است (شهید اول، بی‌تا، ۷۸/۱-۸۰؛ عاملی، ۱۴۱۱ق، ۱۹۰/۱-۱۹۱؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ۲/۹۵؛ انصاری، ۱۴۱۵ق، ۲/۹۳) اما تقسیمی که در ذیل ارائه می‌شود، جدید و مختصر و دربرگیرنده همه تقسیم‌های یادشده است.

گونه‌های ضمیمه به سه دسته تقسیم می‌شوند:

الف. قصد اموری که از لوازم عادی افعال عبادی قلمداد می‌شوند و ذاتاً با اخلاص و نیت عبادت برای خداوند منافاتی ندارند، مانند قصد خنک یا گرم شدن هنگام وضو با آب سرد یا گرم (عاملی، ۱۴۱۱ق، ۱/۱۹۱؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ۲/۹۵)؛

ب. نیت و قصدی که دارای منافات ذاتی با نیت تقرّب و اخلاص است و مصداق شرک به خداوند متعال به‌شمار می‌آید، مانند ریا و سُمعه (شهید اول، ۱۴۱۹ق، ۲/۱۱۳)؛

ج. قصد چیزیی که نه منافای ذاتی اخلاص است و نه لازمه عادی عمل محسوب می‌شود، مانند ضمیمه نیت غذا خوردن یا سایر رفتارهای روزانه به نیت تقرّب در طهارت شرعی وضویی (شهید اول، بی تا، ۸۰/۱؛ قطیفی، ۱۴۲۲ق، ۲/۴۳۷)؛

همچنین در تقسیمی دیگر، ضمائم به دو گروه دسته‌بندی می‌شوند:

الف. برخی از ضمیمه‌ها دارای رجحان و مزیت دینی یا عقلی یا عرفی هستند، مانند جایی که امام جماعت با تکبیر الاحرام خویش، اعلام به مأمومان را نیز قصد کند یا پرداخت کننده زکات به‌طور علنی اقتدای دیگران به خویش را در ادای این واجب دینی در نظر داشته باشد و این قصد را به نیت قربت در پرداخت زکات ضمیمه سازد؛

ب. دسته‌ای از ضمائم، از هیچ‌گونه رجحان و مزیت عقلی و عقلائی یا دینی برخوردار نیستند.

«انضمام» به نیت تقرّب نیز به یکی از شیوه‌های ذیل انجام می‌گیرد:

الف. نیت اصلی و آغازین و هدف بنیادین در عبادت، اراده تعبّد و تقرّب الهی است و سایر ضمائم الحاقی به‌گونه تبعی نیت می‌شوند؛

ب. هرکدام از نیت تقرّب و ضمیمه، انگیزه مستقل و برانگیزاننده کامل برای انجام عمل محسوب می‌شوند و هیچ‌یک تابع دیگری نیستند، به این معنا که هرچند اکنون دو قصد به هم ضمیمه شده‌اند، اما هرکدام به تنهایی نیز می‌توانند انگیزه اقدام باشند؛

ج. هر دو نیت به انضمام یکدیگر باعث انجام عمل می‌شوند به‌گونه‌ای که اگر یکی از دو نیت موجود نباشد، عمل از اساس انجام نخواهد شد.

د. برعکس صورت نخست، به گونه‌ای که قصد اصلی و بنیادی در انجام عمل، نیتی غیر از تقرب و تعبد است و عبادت پروردگار به صورت تابع به نیت تقرب ملحق می‌شود.

#### ۴. آثار انضمام و ضمیمه

کشف احکام هر کدام از گونه‌های ضمیمه عرضی در نیت و روش‌های انضمام، نیازمند تتبع آرای فقهی، کشف مبانی و معیارها و تحلیل و بررسی دیدگاه‌هاست که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

#### ۴-۱. انضمام قصد لازمه عادی فعل عبادی (گونه نخست ضمیمه)

تبع در آثار فقهی دیدگاه‌های ذیل را در زمینه انضمام قصد لازمه عادی افعال، بدون منافات ذاتی با اخلاص و نیت عبادت آشکار می‌سازد.

#### ۴-۱-۱. دیدگاه بطلان مطلق

در دیدگاه برخی از فقیهان به دلیل عدم تحقق معنای نیت معتبر در عبادت، با قصد ضمیمه گونه نخست، عدم صحت و بطلان چنین عباداتی به احتیاط نزدیک‌تر است (عاملی، ۱۴۱۱ق، ۱/۱۹۱). در این مبنا آنچه در تحقق رفتار عبادی دخالت اساسی دارد و جزء رکنی ماهیت عبادت است، نیت محض قربت و قصد اختصاصی و انحصاری آن است. بنابراین، صرف حصول نیت تقرب هر چند با ضمیمه نیت دیگر کفایت نمی‌کند (شهید اول، بی تا، ۷۹/۱)، زیرا در این گونه عبادات، اساس و بنیان نیت تقرب محض با چنین ضمیمه‌ای از بین رفته است. به همین سبب، فعل انجام گرفته مجزی نیست.

#### نقد و بررسی

مراد از خلوص و محض بودن نیت در نظریه بطلان با توجه به نگرش موجود در آن، قصد انحصاری انجام فعل به عنوان اطاعت و امتثال امر خداوند بدون هیچ گونه ضمیمه‌ای به آن قصد است و حتی ضمائم بدون منافات با اخلاص نیز پذیرفته نمی‌شوند.

بازشناسی تأثیر  
گونه‌های ضمیمه و انضمام  
در نیت تقرب

۱۷۱

بدون تردید، چنین برداشتی از خلوص نیت (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۱۰۷) برای کسب کمال عمل لازم است، چنان که از برخی نصوص روایی اشتراط اخلاص به این مفهوم برای کسب کمال عبادات استفاده می شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱۶/۲؛ صدوق، بی تا، ۱۴۲؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ۶۰/۱). اما استدلال روشنی بر اعتبار اخلاص به این معنای محض و اشتراط آن در صحت عبادات به گونه ای که نباید حتی لوازم عادی افعال بدون منافات با قصد قربت نیز به آن ضمیمه شوند، در دست نیست.

بلکه آنچه به عنوان نیت در عبادات معتبر و کافی است، قصد قربت با مفهومی عام است که در ضمیمه قصد لازم عادی فعل نیز موجود است و برخلاف ضنائمی مانند ریا منافات ذاتی با اخلاص و نیت عبادت ندارد.

چنان که گذشت، حقیقت عبودیت انجام اعمال برای اظهار بندگی است و در این مسیر امثال اوامر الهی با انگیزه ارتکازی اظهار بندگی و قصد انجام رفتاری ویژه برای خداوند برای دستیابی به قرب الهی کفایت می کند و همین میزان از انگیزه ارتکازی معیار تحقق نیت قلمداد می شود.

این مفهوم در فرض مسئله نیز موجود است و بر همین اساس، انضمام قصد لازمه عادی فعل به نیت قربت، انضمام قصدی زائد و بدون اخلاص در قصد قربت قلمداد می شود.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال ششم، شماره پیاپی ۲۵

زمستان ۱۴۰۰

۱۷۲

#### ۴-۱-۲. دیدگاه جواز مطلق

فقیهان طرفدار این دیدگاه قائل به جواز انضمام این گونه از قصدها (لوازم عادی عبادات) در نیت تقرّب هستند و در نتیجه، صحت عمل را می پذیرند، زیرا عمل عبادی با قصد قربت معتبر به انجام رسیده است و نیت زائد منافاتی با نیت تقرّب ندارد (طوسی، ۱۳۸۷، ۱۹/۱؛ حلی، ۱۴۰۵ق، ۳۵؛ حلی، ۱۴۰۷ق، ۱۴۰/۱؛ حلی، ۱۴۰۸ق، ۱۲/۱). برای نمونه می توان مجاهدی را مثال آورد که علاوه بر نیت قربت، قصد غنیمت را نیز به نیت جهاد خویش ضمیمه سازد. در این انضمام آنچه که معتبر و کافی است یعنی قصد قربت، قطعاً حاصل شده است و نیت زائد که منافاتی با تقرّب ندارد باعث عدم قصد قربت نمی شود.

مطالب بیان شده در نقد نظریه بطلان و تحلیل و پذیرش معیار کفایت انگیزه ارتکازی در تحقق نیت معتبر، این نظریه را اثبات می کند. اما برخی از فقها برای اثبات نظریه جواز، حکم به لزوم نیت تعبد و تقرب در عبادات به گونه محض و انحصاری را با وجود امتثال مأموّزه و سقوط تکلیف، تحصیل حاصل و بدون فایده دانسته اند (شهید اول، بی تا، ۷۹/۱).

### نقد و بررسی

استدلال به تحصیل حاصل بودن نیت انحصاری تقرب و عدم فایده آن با وجود نیت قربت و در نتیجه تحقق امتثال و سقوط تکلیف (شهید اول، بی تا، ۷۹/۱) برای اثبات صحت اعمال عبادی با وجود انضمام قصد لازمه عادی فعل، استدلالی غیر قابل پذیرش است، زیرا حصول قصد تعبد و تقرب به تنهایی اثبات کننده سقوط تکلیف و مقتضی جواز نیت ضمیمه نیست. بر همین اساس، ضروری است که لزوم نیت انحصاری و محض قربت واکاوی و اعتبارسنجی شود، زیرا دیدگاه اخلال در نیت عبادت با چنین ضمیمه ای (نظریه بطلان) بر این مبنا شکل گرفته است و اساس استدلال بر بطلان اعمال عبادی با انضمام قصد لازمه عادی فعل، بر منافات نیت ضمیمه با نیت معتبر در عبادات استوار است.

بازشناسی تأثیر  
گونه های ضمیمه و انضمام  
در نیت تقرب

۱۷۳ بنابراین آنچه که در نقد دیدگاه بطلان مطرح شد و بر مبنای پذیرفته شده در معیار نیت عبادت استوار است، استدلالی متقن بر نظریه جواز قلمداد می شود و از این قابلیت برخوردار است که این دیدگاه را اثبات کند، اما استناد به تحصیل حاصل بودن قصد محض و انحصاری قربت (شهید اول، بی تا، ۷۹/۱) با توجه به مطلب پیش گفته مخدوش است.

### ۴-۱-۳. دیدگاه تفصیل بین اسلوب های انضمام

برخی از محققان در چنین ضمایمی قائل به تفصیل هستند و بر این باورند که اگر هدف و انگیزه اصلی برای انجام عمل، نیت تعبد و قربت باشد سپس در آغاز عمل، قصد لازمه عادی فعل نیز عارض و ضمیمه شود (روش اول از شیوه های انضمام) ضروری به صحت عبادت نمی رساند، اما اگر انگیزه اصلی قصد ضمیمه باشد و

در هنگام شروع به عبادت، نیت قربت نیز ضمیمه شود (روش چهارم از شیوه‌های انضمام) چنین نیتی کفایت نمی‌کند و چنان عملی مُجزی نیست. همچنین اگر انگیزه و قصد انجام یک عمل عبادی مجموع قصد قربت و لازمه عادی فعل به‌طور همزمان و توأمان باشند (روش سوم از شیوه‌های انضمام) از آن‌جا که هیچ اولویتی متصور نیست، هر دو نیت تعارض و در نتیجه تساقط می‌کنند و عمل انجام‌شده مانند عمل بدون نیت باقی می‌ماند (شهید اول، بی‌تا، ۸۰/۱).

برخی از فقها نیز اطلاق عبارات فقیهان قائل به جواز را بر صورت‌های اول و دوم از اسلوب‌های چهارگانه انضمام حمل کرده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴، ا.ق. ۹۶/۲). همچنین در این تفصیل بین مثال‌های مختلف در صورت چهارم که قصد اصلی و بنیادین در انجام عمل نیتی غیر از تقرّب است و بین قصد قربت به پروردگار که به‌صورت تابع نیت می‌شود، تفاوت هست. برای مثال، در جایی که وضوگیرنده ابتدا خنکی با آب وضو را قصد نموده است و سپس با باقیمانده آب به نیت قربت وضو بگیرد، عمل او محکوم به صحت است، زیرا نیت قربت در این مثال هرچند تابع قصد لازمه عادی فعل است ولی معنای تبعیتِ محلّ به نیت این است که اگر نیت ضمیمه وجود نداشته باشد، قصد تقرّب نیز انگیزه عمل نخواهد بود، اما چنین معنایی از تبعیت پس از حصول قصد قربت، دیگر منتفی است. اما اگر قصد قربت همزمان با قصد خنکی و یک‌جا نیت شوند، هر دو نیت تعارض و تساقط می‌کنند و عمل بدون قصد قربت به‌شمار می‌آید (نجفی، ۱۴۰۴، ا.ق. ۹۶/۲) و در نتیجه باطل است.

### نقد و بررسی

تفصیل بین روش‌های چهارگانه انضمام و مثال‌های مختلف آن (شهید اول، بی‌تا، ۸۰/۱؛ نجفی، ۱۴۰۴، ا.ق. ۹۶/۲) پذیرفته نیست، زیرا براساس معیار پذیرفته‌شده در نیت قربت (کفایت انگیزه ارتکازی در عبودیت) چیزی بیش از قصد ارتکازی در عبادات معتبر نیست و عبادات مصطلح بنا بر ارتکاز ذهنی و فهم عرف متشرّعه، چیزی جز اظهار عبودیت برابر خداوند با نیت امثال یا قربت نیستند. چنین قصدی در صورت‌های چهارگانه انضمام قصد لازمه عادی افعال و مثال‌های مختلف صورت چهارم نیز حاصل است و تنها به‌دلیل تبعیت نیت از قصد دیگر زائل نمی‌شود.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال ششم، شماره پیاپی ۲۵

زمستان ۱۴۰۰

۱۷۴

#### ۴-۱-۴. دیدگاه تفصیل براساس رجحان و مزیت ضمیمه

در تفصیلی دیگر، عدم جواز و بطلان انضمام قصدی که لازمه عادی افعال به نیت قربت است، مختص به انضمام قصد بدون مزیت دانسته شده است، اما اگر ضمیمه دارای مزیت عقلی یا شرعی باشد، عمل انجام گرفته صحیح و مجزی به شمار می آید، مانند قصد اعلام و آگاهی بخشیدن به مأمومان توسط امام جماعت در هنگام تکبیره الاحرام یا انضمام قصد ترغیب سایرین و ترویج پرداخت زکات هنگام ادای این واجب دینی (عاملی، ۱۴۱۱ق، ۱/۱۱۹).

#### نقد و بررسی

تفصیل ارائه شده براساس رجحان یا عدم رجحان ضمیمه (عاملی، ۱۴۱۱ق، ۱/۱۱۹) قابل پذیرش نیست، زیرا اگر مانع صحت عبادت در صورت انضمام قصدی که لازمه عادی فعل به نیت است، محقق شدن «نیت محض» باشد، مزیت ضمیمه موجب تحقق آن و در نتیجه صحت عمل نمی شود. به عبارت دیگر مزیت چه مزیت عرفی و عقلایی و چه رجحان شرعی ویژگی خاصی را در نیت ایجاد نمی کند و باعث انقلاب ماهیت در نیت نمی شود که بتواند با وجود مانع یادشده، مستلزم تحقق نیت محض و انحصاری تقرب باشد، بلکه بنابر منافات هر نوع ضمیمه ای با نیت محض، قصد ضمیمه دارای مزیت نیز مانند سایر ضمایم با محض و مخلصانه بودن نیت منافات دارد. اما براساس مبنا و معیار پذیرفته شده یعنی کفایت قصد قربت و امتثال با انگیزه ارتکازی اظهار بندگی و در نتیجه حکم به صحت عبادت، تفاوتی بین ضمیمه راجح و غیر راجح متصور نیست.

براساس آنچه تبیین شد، نظر برگزیده در این نوع ضمیمه صحت اعمال عبادی در روش های متنوع انضمام است.

#### ۴-۲. قصد ضمیمه منافی با اخلاص (گونه دوم ضمیمه)

در تاریخچه بحث از حکم تکلیفی و اثر وضعی این گونه از قصدها در عبادات در صورت انضمام به نیت تقرب دو نظریه مطرح شده است. دیدگاه های یادشده در منابع فقهی ذیل بحث از مصادیق قصد دارای منافات با اخلاص و نیت تقرب مانند

بازشناسی تأثیر  
گونه های ضمیمه و انضمام  
در نیت تقرب

ریا و سُمعه، تبیین و تحلیل شده‌است و در ادامه مورد اعتبارسنجی قرار می‌گیرند.

#### ۱-۲-۴. دیدگاه‌های فقهی

الف. برخی از فقیهان شیعه بر این باورند که انضمام قصدِ دارای منافات با اخلاص در نیت عبادات همچون ریا<sup>۱</sup> تنها موجب عدم ترتبِ ثواب بر رفتار عبادی است. در این دیدگاه با استناد به فهم عرفی متشرعان واژه‌های «قبول» و «مقبول» در ادبیات نصوص دینی به دو معنا دانسته شده‌است: نخست به معنای «اجزاء» که در عباراتی مانند «لَا تُقْبَلُ الصَّلَاةُ بِغَيْرِ طَهَارَةٍ» استعمال شده‌است و بی‌تردید نماز بدون طهارت صحیح نیست و در نتیجه غیر مُجْزِی است؛ دوم به معنای «ترتیبِ ثواب» مانند عبارت «إِنَّ الصَّلَاةَ الْمَقْصُودَ بِهَا الرِّيَاءُ غَيْرُ مَقْبُولَةٍ» یا سایر عبارات در ادبیات شرعی که بر عدم قبولِ عبادت با انضمام قصدِ منافی با اخلاص در نیت آن تصریح می‌کنند. عدم قبول نماز ریایی در این عبارات به معنای سقوط ثواب از آن است، اما مُجْزِی است و اعاده آن واجب نیست (سیدمرتضی، ۱۴۱۵ق، ۱۰۰).

این دیدگاه که تنها به سید مرتضی علم‌الهدی (۴۳۶ق) منسوب است (کرکی، ۱۴۱۴ق، ۲۰۳/۱-۲۰۴) به نماز اختصاص ندارد و می‌توان آن را در سایر عباداتی که قصدِ ریا یا سایر قصد‌های منافی با اخلاص به نیت آن‌ها ضمیمه شده‌است نیز جاری دانست (خوانساری، بی‌تا، ۴۷/۲).

روشن است که دیدگاه یادشده در صورت انجام اعمال عبادی با قصد ریا، محض یا قصد انحصاری و محض دیگر که دارای منافات با اخلاص و تقرّب باشد، به‌تنهایی و بدون ضمیمه به نیت قربت مطرح نشده‌است، زیرا بدون تردید نمی‌توان

جستارهای

فقهی و اصولی

سال ششم، شماره پیاپی ۲۵

زمستان ۱۴۰۰

۱۷۶

۱. «ریاء» در لغت، مصدر باب مفاعله از ماده (روی) به معنای آشکار ساختن و نشان دادن اعمال به مردم است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۲۹۶/۱۴؛ فیومی، بی‌تا، ۲/۲۴۷) و در اصطلاح به مفهوم اظهار زیبایی‌ها و نمایاندن اقدامات پسندیده یا حالات و اعمال عبادی و نیکو به دیگران با هدف بهره‌مندی از ستایش و جلب توجه آنان و کسب منزلت دینی و جایگاه اجتماعی دانسته شده‌است (طوسی، بی‌تا، ۵/۱۳۳؛ مشکینی، بی‌تا، ۲۷۸؛ ابوجیب، ۱۴۰۸ق، ۱۴۱). ریا از ردائیل اخلاقی (نراقی، بی‌تا، ۲/۳۸۷) گناهی بزرگ و نشانگر دوگانگی بین نیت درونی و رفتار بیرونی است که به نفعی نیت تقرّب در عبادت منجر می‌شود (قطیفی، ۱۴۲۲ق، ۲/۴۳۱). در قرآن کریم ریا ضمن عباداتی مانند نماز (نساء/۱۴۲؛ ماعون/۶۰۴)، جهاد (انفال/۴۷) و انفاق (بقره/۲۶۴؛ نساء/۳۸) مورد مذمت واقع شده‌است و روایات فراوانی از معصومان علیهم‌السلام دربارهٔ ماهیت، حکم و آثار آن در دست است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱/۶۴-۷۳).



در عبادات که نیت قربت در آنها معتبر است، بدون قصد تقرب و با صرف ریا یا با صرف دیگر قصد‌های منافی با اخلاص و نیت تقرب به گونه انحصاری و محض، به صحت و اجزای عبادت قائل شد و صرفاً عدم ترتب ثواب را پذیرفت. بنابراین، عبارت سید مرتضی ناظر به مسئله «انضمام» این گونه از قصد به نیت قربت است.

ب. در نظریه مشهور فقهی، ضمایم دارای منافات ذاتی با اخلاص و زائل کننده قصد قربت، مانند قصد ریا و سُمعه دارای حکم تکلیفی حرمت هستند و موجب بطلان وضعی اعمال عبادی می شوند (علامه حلی، ۱۴۱۹ق، ۴۵۰/۱؛ شهید اول، ۱۴۱۷ق، ۹۰/۱؛ قطیفی، ۱۴۲۲ق، ۲۳۳/۱). در این دیدگاه اگر قصد منافی با نیت تقرب مانند ریا، به نیت عبادت ضمیمه شود، عمل عبادی باطل و نیازمند اعاده یا قضاست (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ۹۰/۱؛ کرکی، ۱۴۱۴ق، ۲۰۳/۱).

#### ۴-۲-۲. ادله بطلان عبادت با انضمام قصد منافی با اخلاص

در منابع فقهی مجموعه‌ای از دلایل بر بطلان اعمال عبادی که با انضمام قصد منافی با اخلاص همچون ریا واقع شده‌اند، ارائه شده است. فقیهان و اصولیان اشتراط و اعتبار نیت را در عبادات به معنای قصد تقرب به خداوند در هنگام امتثال تکلیف یا انجام مأمور به، به هدف اطاعت امر خداوند پذیرفته‌اند و از ضروریات دین و محور اجماع قلمداد کرده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۱۵۷/۹؛ آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ۷۲). بر همین اساس، مستند اصلی فقیهان در حکم به بطلان عبادت به ضمیمه چنین قصدی در صورت‌های چهارگانه انضمام، منافات این ضمیمه با قصد قربت و اخلاص در هویت عبادت است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۱۰۰/۲).

بطلان اعمال عبادی با انضمام قصد ریا به نیت تقرب علاوه بر اجماع (نراقی، ۱۴۱۵ق، ۶۶/۲) بر مجموعه‌ای از مستندات قرآنی و حدیثی استوار است.

#### ۴-۲-۱. مستندات قرآنی

مجموعه‌ای از آیات قرآن مجید مستندات بطلان اعمال عبادی در فرض انضمام ریا به نیت تقرب محسوب می شوند و مورد تمسک فقیهان واقع شده‌اند (ر.ک: شهید

بازشناسی تأثیر  
گونه‌های ضمیمه و انضمام  
در نیت تقرب

۱۷۷

ثانی، ۱۴۱۳ق، ۸۰/۱-۸۱: اردبیلی، بی تا، ۲۸: عاملی، ۱۴۱۱ق، ۱/۱۲۸: نجفی، ۱۴۰۴ق، ۲/۹۷: روحانی، ۱۴۱۲ق، ۱/۶۴. آیاتی که در ادامه مطرح می‌شوند برخی از این آیات هستند که در فرایند اثبات ابطال اعمال با انضمام قصد ریا یا سایر قصدهای دارای منافات با نیت تقرّب از ظهور و دلالت روشن برخوردارند:

**الف. آیه کریمه ﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كَسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا﴾<sup>۱</sup> (نساء/۱۴۲).**

برخی از فقها آیه یادشده را در شمار مستندات فقه‌پژوهی ریا قلمداد کرده‌اند (نراقی، ۱۴۱۵ق، ۲/۶۷). دلالت این آیه بر حرمت ریا مبتنی بر ظهور تام در نهی از عبادت (نماز) ریایی و قلمداد شدن ریا از صفات منافقان است. از آن جا که نهی از عبادت مستلزم فساد عمل نیز هست (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ۱۸۰؛ مظفر، ۱۳۷۵، ۱/۳۴۶)، علاوه بر لزوم بطلان نماز ریایی که در این آیه مطرح شده است، به دلیل وحدت مناط و عدم تفاوت بین اقسام عبادات، در سایر عبادات نیز چنین استلزامی را در پی دارد.

البته ممکن است بر استدلال به این آیه چنین اشکالی مطرح شود: از آن جا که نهی در آیه به فعل منافقان تعلق گرفته است، شاید آنان اصلاً و اساساً قربت را نیت نکنند و تنها به منظور حفظ جایگاه اجتماعی خویش یا پرهیز از برخی خطرهای اعمال عبادی را با قصد محض ریایی به انجام رسانند. به همین دلیل اگر کسی آنان را نبیند، اصلاً نماز نخواهند خواند. بنابراین، آیه مذکور ظهوری در مسئله انضمام قصد منافی با اخلاص به قصد قربت ندارد.

اما اشکال یادشده چنین پاسخ داده می‌شود: هر چند نهی در این آیه به افعال ریایی منافقان باز می‌گردد و احتمال یادشده در آن مطرح است، اما عنوانی که نهی به آن تعلق گرفته است، عنوان «ریا در عبادت شرعی» است و تعلق نهی، مطلق و بدون تقیید به مقارنت یا عدم مقارنت با نیت دیگر است. بر همین اساس، شامل مواردی که هم‌زمان و ضمیمه شده به قربت باشند یا چنین انضمامی در میان نباشد نیز می‌شود و تفاوتی نمی‌کند که در این انضمام، قصد ریا در واداشتن انسان به عمل،

جستارهای

فقهی و اصولی

سال ششم، شماره پیاپی ۲۵  
زمستان ۱۴۰۰

۱۷۸

۱. «منافقان با خدا نیرنگ می‌کنند و حال آن که او با آنان نیرنگ خواهد کرد؛ و چون به نماز ایستند، با کسالت برخیزند. با مردم ریا می‌کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی‌کنند».

انگیزه مستقل و یکتا باشد یا انگیزه مشترک قلمداد گردد و نیز فرقی نخواهد داشت که قصدِ ریا اصل در انضمام باشد یا ضمیمه تابع به شمار آید.

ب. آیه ﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ؛ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ (کهف/۱۱۰).

این آیه نیز دارای ظهور در حرمت ریا و سایر قصدهای منافی با اخلاص است و مورد استناد برخی از فقیهان واقع شده است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۱۸۸/۹). این آیه مردم را از مشارکت دادن غیر خداوند در عبادات شرعی نهی کرده است و براساس دیدگاه برگزیده اصولی، نهی از عبادت مستلزم فساد به شمار می آید (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ۱۸۰: مظفر، ۱۳۷۵، ۳۴۶/۱). از سوی دیگر، شخص ریاکار در این آیه «مشرک» قلمداد شده است (قمی، ۱۴۰۴ق، ۴۷/۲). همچنین، شرط در این آیه یعنی عبارت ﴿فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ﴾ شرط الزامی است و با وجود الزامی بودن شرط، جزای آن نیز باید الزامی باشد. بنابراین، عدم شرک در انجام عمل صالح الزامی و واجب است و این خود، متوقف بر قصد قربت و عدم نفوذ قصد منافی با آن در نیت است.

باید توجه داشت که هرچند این آیه در مقام توحید و نهی از شرک در عبودیت پروردگار نازل شده است و با توجه به مقام نزول می توان نهی را در این آیه بر نهی از شرک در عبودیت و بندگی خداوند حمل نمود، اما از یک سو، ذکر «عمل صالح» و امر به آن در عبارت ﴿فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا﴾ (کهف/۱۱۰) موجب ظهور ادامه آیه در ویژگی های اعمال عبادی مصطلح می شود. برخی روایات نیز این استظهار را تأیید می کنند (قمی، ۱۴۰۴ق، ۴۷/۲؛ طبرسی، ۱۴۰۸ق، ۷۷۰/۶). از سوی دیگر، ادامه آیه اطلاق دارد و شامل نهی از ریا در عبادات شرعی نیز می شود. بی تردید اگر فراز دوم آیه، تنها در صدد بیان توحید بود، تعبیر (وَلَا يُشْرِكْ بِهِ أَحَدًا) مناسب تر و بلیغانه تر به نظر می رسید، نه تعبیر ﴿وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾.

برخی از روایات تفسیری نیز این نگاه را تأیید می کنند (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ۷۷۰/۶).

بازشناسی تأثیر  
گونه های ضمیمه و انضمام  
در نیت تقرب

۱۷۹

۱. «بگو من هم مثل شما بشری هستم، و [لی] به من وحی می شود که خدای شما خدایی یگانه است. پس هرکس به لقای پروردگار خود امید دارد، باید به کار شایسته پردازد و هیچ کس را در پرستش پروردگارش شریک نسازد».

## ۴-۲-۲-۲. مستندات روایی

احادیث متعددی به‌عنوان مستندات بطلان اعمال عبادی در فرض انضمام ریا به نیت قربت قابل ارائه است. اطلاق این مستندات روایی انضمام سایر قصدهای منافی با اخلاص را در نیت عبادت نیز شامل است.

**الف.** مفاد روایات بسیاری چنین دلالت می‌کند که اگر یک عمل هم برای خداوند و هم برای غیر او به انجام رسد، برای غیر خدا محسوب می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲/۲۱۳؛ برقی، ۱۳۷۱ق، ۱/۲۵۲؛ مجلسی، ۱۴۱۰ق، ۶۹/۲۹۹). براساس ظاهر این احادیث، نهی از قصد منافی با اخلاص و این که دین و اعمال دینی برای نشان دادن به مردم مورد استفاده گیرند، استنباط می‌شود و چنان که گذشت، براساس دیدگاه برگزیده اصولی، تعلق نهی به‌عنوان یک عبادت بر فساد و بطلان عمل دلالت می‌کند (مظفر، ۱۳۷۵، ۱/۳۴۶). در احادیث یادشده نیز ذات و عنوان اعمال عبادی ریایی متعلق نهی و مقتضی فساد است و مورد استناد برخی از فقها در واکاوی حکم تکلیفی و وضعی ریا قرار گرفته‌است (حلی سیوری، ۱۴۲۵ق، ۱/۳۲؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ۵/۱۴۱). نهی در این احادیث دارای اطلاق است و مسئله این جستار را دربر می‌گیرد.

البته ممکن است بر استدلال به این گروه از روایات چنین اشکالی مطرح شود: این احادیث که بر قلمداد شدن اعمال ریایی برای غیر خداوند دلالت دارند (برقی، ۱۳۷۱ق، ۱/۲۵۲) بر بطلان عمل با انضمام قصد ریا یا انضمام سایر قصدهای منافی اخلاص دلالت نمی‌کنند، زیرا «برای غیر خداوند قلمداد گردیدن یک عمل» مفهومی اعم از «بطلان عمل» است. ممکن است مراد از چنین تعبیری عدم ارتقا و نفی نزدیکی عابد به خداوند و عدم ترتب ثواب به سبب عملی باشد که همزمان برای او و جز او به انجام رسیده‌است نه بطلان وضعی عبادت (سید مرتضی، ۱۴۱۵ق، ۱۰۰). اما در پاسخ به اشکال یادشده چنین پاسخ گفته می‌شود: در متن این احادیث اعمال انجام گرفته با انضمام قصد دارای منافات با قصد قربت، با عبارتی مطلق برای غیر خداوند معرفی شده‌اند و چنین معرفی‌ای مقتضی این است که از اساس، اتصال و ارتباط عمل با خداوند قطع باشد. بنابراین به دلیل انجام رفتاری که هیچ‌گونه ارتباطی با خدای متعال ندارد، امتثال امر و سقوط تکلیف عبادی صدق نمی‌کند.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال ششم، شماره پیاپی ۲۵

زمستان ۱۴۰۰

۱۸۰

ب. روایات دال بر مشرک بودن شخص ریاکار (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲/۲۹۳؛ برقی، ۱۳۷۱ق، ۱/۱۲۲؛ صدوق، ۱۴۰۶ق، ۲۵۵). این احادیث از دیگر ادله حرمت تکلیفی و بطلان وضعی ناشی از ریا محسوب می‌شوند (نراقی، ۱۴۱۵ق، ۲/۶۷؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ۲/۱۰۰، ۱۸۸/۹؛ همدانی، ۱۴۱۶ق، ۲/۲۲۲، ۲۲۹؛ بروجردی، ۱۴۱۶ق، ۲/۱۰۵-۱۰۶) و دارای اطلاق‌اند.

ج. روایات دال بر عدم قبول اعمال ریاکار (اهوازی، ۱۴۰۲ق، ۶۳). «قبول» در این روایات در صحت عمل ظهور دارد (خویی، ۱۴۱۸ق، ۶/۷؛ حائری، ۱۴۲۶ق، ۳/۴۷۹) و بر بطلان عبادت در صورت انضمام قصد منافی با اخلاص در نیت تقرّب دلالت می‌کنند. این ادعا که عدم قبول اعم از صحت و عدم صحت است و در معنای عدم ترتّب ثواب نیز استعمال می‌شود (سیدمرتضی، ۱۴۱۵ق، ۱۰۰) ادعایی بدون دلیل و شاهد است.

د. اخبار وابستگی اعمال به نیت‌ها مانند «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ» و «وَأِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۱/۸۳، ۴/۱۸۶) که بر اعتبار نیت خالص در اعمال عبادی دلالت دارند (کاشف‌الغطاء، بی‌تا، ۵۸).

ه. روایاتی که بر مبعوض بودن طبیعت ریا و نهی از «وارد ساختن رضایت مردم» در انجام عبادت دلالت می‌کنند (برقی، ۱۳۷۱ق، ۱/۱۲۲؛ ر.ک: کافی، ۱۴۰۷ق، ۲/۲۹۴) از دیگر مستندات حرمت تکلیفی و بطلان وضعی ریا و دیگر قصدهای دارای منافات با اخلاص به‌شمار می‌آیند. نهی یادشده مطلق است و شامل روش‌های متنوع انضمام این قصدها می‌شود. بنابراین، جایی که قصد منافی اخلاص مانند ریا به‌صورت تابع ضمیمه شود و یا هر یک از قصد قربت و ضمیمه هدف و برانگیزاننده مستقل و تام باشند را نیز دربر می‌گیرد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۲/۱۰۰).

و. احادیث اعتبار «حُسن نیت در طاعت». پاره‌ای از نصوص روایی معیار قصد معتبر در عبادات را «حسن نیت در طاعت» معرفی کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲/۸۵؛ ر.ج: بحرانی، ۱۴۰۵ق، ۲/۱۸۲؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ۲/۹۸). در این نصوص، میزانی از عبادات تبیین شده است که اگر رعایت شود خدای متعال به‌طور کامل عبادت شده است. مراد از تعبیر «حُسن النیّة بالطاعة» حُسن نیتی است که با تصفیة عمل عبادی از شائبه‌های نقص و عیب محقق شود. بنابراین اگر انسان صورت عبادت خویش را خالی از

بازشناسی تأثیر  
گونه‌های ضمیمه و انضمام  
در نیت تقرّب

۱۸۱

هرگونه خلل و نقصانی همچون ریا برگزیند و به انجام رساند، نیت خویش را نیکو گردانده است و حد عبادت را به جا آورده است. همچنین می توان حسن نیت را به معنای شدت عزم در عبادت و طاعت دانست. بی تردید چنین حُسن نیتی در صورت عدم اختلاط نیت با قصد دارای منافات با قصد قربت و اخلاص به دست می آید (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۸/۸۵).

اما در برداشت از این روایات احتمال دیگری نیز مطرح است که در صورت پذیرش آن، عبارت «حُسن النیة بالطاعة» ارتباطی با بحث حاضر نخواهد داشت. برخی از حدیث شناسان بر این باورند که این عبارت به این معناست که مکلف باید در «انجام» طاعت و عبادت خداوند حُسن نیت به معنای «قصد انجام» داشته باشد و در صورت امکان، آنچه را بر عهده دارد به انجام رساند. البته در صورت عدم امکان انجام تکالیف خویش نیز به دلیل حُسن نیت و قصد انجام، آنچه را بر عهده داشته است، ادا نموده است (فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ۴/۳۶۸). بر مبنای این تفسیر ارزش افعال براساس نیت سنجیده می شود و ارتباطی با مسئله انضمام قصد منافی با اخلاص همچون ریا به قصد قربت نخواهد داشت.

چنان که بیان شد نصوص و مستندات نهی از ریا نهی از سایر مقاصد منافی با قصد قربت مانند «سمعه»<sup>۱</sup> را نیز شامل می شوند و براساس معیار در حرمت ریا می توان در انضمام این گونه قصدها نیز حکم حرمت و اثر بطلان را مترتب دانست. چنان که از محتوای مستندات قرآنی و نصوص روایی یادشده برداشت می شود، حرمت این گونه از قصدها حکم تعبدی محض نیست و در شمار احکام بدون ملاک و معیار قابل استنباط و فهم قلمداد نمی شود، بلکه معیار این حرمت قُبْح و حرمت

#### جستارهای فقهی و اصولی

سال ششم، شماره پیاپی ۲۵  
زمستان ۱۴۰۰

۱۸۲

۱. «سمعه» در لغت به معنای «به گوش دیگران رساندن» است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ۱/۳۴۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۸/۱۶۵؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ۱۱/۲۲۳) و در اصطلاح به مفهوم «انجام رفتار نیک یا اعمال عبادی مانند ذکر گفتن یا بازگویی عبادات انجام گرفته در خفا، به قصد و انگیزه شنیدن مردم برای کسب شهرت و عزت» استعمال می شود (زمخشری، ۱۴۱۷ق، ۲/۱۶۰-۱۶۱؛ سنند بحرانی، ۱۴۱۵ق، ۴/۷). سمعه در قبال ریا، به معنای انجام عمل به قصد دیدن مردم واقع است. البته برخی از فقها سمعه را از یکی افراد ریا دانسته اند (انصاری، ۱۴۱۵ق، ۲/۱۰۶). قبیحان بر این باورند که اگر سمعه انگیزه عبادت یا بخشی از انگیزه را شکل دهد، موجب بطلان عمل عبادی می شود (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، ۱۲۵؛ طباطبائی یزدی، ۱۴۰۹ق، ۱/۲۴۱). اما اگر تنها، علاقه به شنیده شدن و ویژگی های اعمال توسط دیگران در میان باشد، بدون این که عمل با این انگیزه به انجام رسد، اشکالی متوجه عبادت نخواهد شد (انصاری، ۱۴۱۵ق، ۲/۱۰۶).

«شُرک» است (کَهِف/۱۱۰؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲/۲۹۳؛ صدوق، ۱۴۰۶ق، ۲۵۵). واضح است که انجام رفتاری که به‌عنوان خضوع و تذلل درمقابل خداوند متعال جعل و تکلیف شده است یعنی عبادات شرعی مصطلح اگر برای غیر خداوند و به نیتی جز تقرب به او به‌انجام رسند، هرچند قصد یادشده به نیت تقرب ضمیمه شده باشد، در تمام روش‌های انضمام قبیح و حرام خواهد بود.

مستندات حرمت ریا و بطلان وضعی ناشی از آن به سه دسته قابل تقسیم‌اند: دسته نخست نصوصی است که موضوعشان اختصاصی به ریا ندارد، بلکه «عمل انجام گرفته برای خدای سبحان و غیر او» (برقی، ۱۳۷۱ق، ۱/۲۵۲) یا «شُرک در عبادت پروردگار» (کَهِف/۱۱۰؛ برقی، ۱۳۷۱ق، ۱/۱۲۲) موضوع نهی را شکل می‌دهد. دسته دوم نصوصی است که موضوع یگانۀ آن‌ها ریا است، اما به‌تصریح «شُرک به خداوند» به‌عنوان معیار نهی معرفی شده است (قمی، ۱۴۰۴ق، ۲/۴۷؛ صدوق، ۱۴۰۶ق، ۲۵۵؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲/۲۳۹). دسته سوم نصوص ظاهر در نهی از عبادت ریایی بدون ذکر معیار نهی است (نساء/۱۴۲).

بازشناسی تأثیر  
گونه‌های ضمیمه و انضمام  
در نیت تقرب

۱۸۳

دسته‌های اول و دوم به‌دلیل اتحاد مناط، اموری همچون سُمعه و سایر قصدهای منفی با اخلاص را نیز شامل می‌شوند. ظهور دسته سوم نیز از این قابلیت برخوردار است که انضمام قصدهای دارای منافات با قصد قربت را دربر گیرد، زیرا روشن است که آنچه مَبغوض است «توجه در عبادت به‌سوی غیر خداوند» با انجام عمل عبادی به‌خاطر مطلع ساختن دیگران است که اختصاصی به ریا ندارد و مقاصدی مانند سُمعه نیز در این ملاک با ریا همگام هستند.

#### ۳-۴. قصد غیر لازم فعل بدون منافات با اخلاص (گونه سوم ضمیمه)

براساس آنچه درباره ضمائیم نوع نخست و دوم تبیین شد، حکم انضمام اموری که لازمه عادی افعال عبادی نیستند و البته هیچ گونه منافاتی با اخلاص ندارند یعنی گونه سوم از اقسام ضمیمه نیز روشن می‌شود.

انضمام مقاصدی مانند قصد غذا خوردن یا سایر رفتارهای روزانه به تقرب در طهارت و وضوی از این قبیل‌اند. در این گونه انضمام‌ها اگر برای مثال، نیت غذا خوردن

به خداوند متعال مرتبط شود و مقرب بودن این رفتار در نظر باشد، باعث تقویت و تأکید قربت می‌شود و حتی اگر هیچ ارتباط و اتصال ذهنی و قلبی بین دو غایت یعنی طهارت شرعی و آن افعال روزانه یا بین آن افعال و خداوند ایجاد نشود نیز قصد ضمیمه زائد و بدون اثر خواهد بود و به قصد قربت معتبر و معیار در عبادت خدشه‌ای وارد نمی‌سازد، زیرا با وجود تحقق نیت معیار یعنی انگیزه ارتکازی اظهار بندگی و کفایت آن و نیز عدم لزوم محض و انحصاری بودن قصد قربت، نیت معتبر در ضمیمه نوع سوم حاصل است و چنین انضمامی مصداق شرک نیست. بنابراین، ضمیمه نوع سوم خللی در نیت تقرب ایجاد نمی‌کند و عمل عبادی با انضمام چنین قصدی صحیح و مجزی است.

### نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌ها و تحلیل‌های مطرح شده در متن مقاله در مسیر کشف پاسخ به پرسش اساسی این جستار، نتایج ذیل به دست می‌آید:

الف. تحقق نیت که به اتفاق نظر فقیهان و براساس مستندات وحیانی و ادله عقلانی در عبادات واجب و معتبر است، به معنای اظهار عبودیت و بندگی برای خداوند متعال با انگیزه (داعی) ارتکازی در امثال اوامر الهی یا قصد قربت است و اعتبار نوعی خاص از نیت و عدم اعتبار سایر گونه‌ها در اظهار بندگی، ادعایی بدون دلیل قلمداد می‌شود. بر این اساس، اظهار بندگی آن‌چنان که با قصد امثال اوامر الهی صحیح است، با غایت تقرب نیز صحیح شمرده می‌شود. برای تحقق نیت معتبر در عبادات انگیزه ارتکازی عبودیت و اظهار آن کفایت می‌کند و همین «انگیزه ارتکازی» معیار نیت تقرب دانسته می‌شود.

ب. بر مبنای معیار برگزیده، خلوص نیت به معنای قصد انحصاری انجام فعل به عنوان طاعت خداوند بدون هیچ گونه ضمیمه‌ای به آن قصد حتی لوازم عادی افعال عبادی بدون منافات با اخلاص نیست، بلکه قصد قربت با مفهومی عام که در ضمیمه قصد لوازم عادی فعل نیز در اسلوب‌های چهارگانه انضمام موجود است، برای تحقق خلوص نیت کفایت می‌کند. بر این اساس، انضمام قصد لازمه عادی

جستارهای

فقهی و اصولی

سال ششم، شماره پیاپی ۲۵

زمستان ۱۴۰۰

۱۸۴



فعل به نیت قربت، انضمام قصدی زائد و بدون اخلال در قصد قربت به شمار می آید و در این حکم تفاوتی بین اسلوب‌های مختلف انضمام یا رجحان ضمام و بدون مزیت بودن آن‌ها متصور نیست.

ج. مستندات و ادله قرآنی و روایی بر حکم به حرمت تکلیفی و بطلان وضعی عبادت با ضمیمه قصد منافی با اخلاص، همچون ریا و شمع که به اخلال در هویت عبادت می انجامد، در صورت‌های چهارگانه انضمام دلالت می کنند. معیار این حکم، تحقق شرک به خداوند در این گونه از ضمیمه و چنین رفتاری است. د. اگر در سایر امور بدون منافات با اخلاص و قصد قربت که ممکن است به نیت تقرب ضمیمه شوند، قصد قربت و ایجاد ارتباط و اتصال با خداوند مدنظر باشد، باعث تأکید و تقویت قربت می شود و در غیر این صورت نیز با توجه به حضور و کفایت انگیزه ارتکازی (معیار در نیت تقرب) ضمیمه قصدی زائد و بدون اخلال در ماهیت نیت و صحت عبادت به شمار می آید.

بازشناسی تأثیر  
گونه‌های ضمیمه و انضمام  
در نیت تقرب

۱۸۵

## منابع

• قرآن مجید. ترجمه محمد مهدی فولادوند.

۱. آخوند خراسانی، محمد کاظم. (۱۴۰۹ق). کفایة الاصول. قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
۲. آملی، محمد تقی. (۱۳۸۰ق). مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی. تهران: بی نا.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. چاپ سوم. بیروت: دار الفکر؛ دار صادر.
۴. ابوجیب، سعدی. (۱۴۰۸ق). القاموس الفقهی لغة واصطلاحاً. چاپ دوم. دمشق: دار الفکر.
۵. احسائی، ابن ابی جمهور محمد بن علی. (۱۴۰۵ق). غوالی الالائی العزیزة. قم: سید الشهداء عليه السلام.
۶. اردبیلی، احمد. (۱۴۰۳ق). مجمع الفائده والبرهان. قم: مؤسسة النشر الاسلامی، التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة.
۷. اردبیلی، احمد. (بی تا). زبدة البیان فی أحكام القرآن. تهران: المكتبة الجعفریة.

۸. انصاری، مرتضی. (۱۴۱۵ق). کتاب الطهارة. قم: کنگره جهانی شیخ انصاری رحمته الله علیه.
۹. اهوازی، حسین بن سعید. (۱۴۰۲ق). الزهد. چاپ دوم. قم: مطبعة العلمية.
۱۰. بحرانی، یوسف. (۱۴۰۵ق). الحدائق الناظرة. قم: مؤسسة النشر الاسلامی، التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة.
۱۱. برقی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱ق). المحاسن. چاپ دوم. قم: دار الكتب الاسلامية.
۱۲. بروجردی، سید حسین. (۱۴۱۶ق). تقرير بحث السيد البروجردی. تقرير اشتهاړدی. قم: مؤسسة النشر الاسلامی، التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة.
۱۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۹۵). مبسوط در ترمینولوژی حقوق. چاپ هفتم. تهران: گنج دانش.
۱۴. جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۱۰ق). الصحاح. بیروت: دار العلم للملايين.
۱۵. حائری، مرتضی. (۱۴۲۶ق). شرح العروة الوثقی. قم: مؤسسة النشر الاسلامی، التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة.
۱۶. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة. قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث.
۱۷. حلبی، ابن زهره. (۱۴۱۷ق). غنية النزوع. قم: مؤسسة امام صادق عليه السلام.
۱۸. حلبی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۷ق). المعتبر. قم: مؤسسة سيد الشهداء عليه السلام.
۱۹. حلبی سیوری، مقداد. (۱۴۲۵ق). كنز العرفان. قم: مؤسسة كوشانپور.
۲۰. حلبی، یحیی بن سعید. (۱۴۰۵ق). الجامع للشرايع. قم: مؤسسة سيد الشهداء عليه السلام.
۲۱. خوانساری، آقا حسین. (بی تا). مشارق الشموس فی شرح الدروس. تحقیق: سید جواد ابن الرضا. بی جا: بی نا.
۲۲. خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۸ق). التنقیح فی شرح العروة الوثقی؛ کتاب الطهارة. تقرير علی غروی. قم: لطفی.
۲۳. خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۸ق). موسوعة الأمام الخویی. قم: مؤسسة إحياء آثار الإمام الخویی.
۲۴. دلمی، سلالر حمزة بن عبدالعزیز. (۱۴۰۴ق). المراسم العلوية و الأحكام النبوية. قم: منشورات الحرمین.
۲۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت/دمشق: دارالعلم/الدار الشامیة.
۲۶. روحانی، سید صادق. (۱۴۱۲ق). فقه الصادق عليه السلام. قم: دارالکتاب - مدرسة امام صادق عليه السلام.

۲۷. زبیدی، سید محمد مرتضی. (۱۴۱۴ق). تاج العروس. بیروت: دارا لفکر.
۲۸. زمخشری، ابوالقاسم. (۱۴۱۷ق). الفائق فی غریب الحدیث. بیروت: دار الکتب العلمیة.
۲۹. سند بحرانی، محمد. (۱۴۱۵ق). سند العروة الوثقی - الطهارة. قم: صفحی.
۳۰. سید مرتضی، علی بن حسین. (۱۴۱۷ق). المسائل الناصریات. تهران: سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
۳۱. سید مرتضی، علی بن حسین. (۱۴۱۵ق). الانتصار فی انفرادات الامامیة. قم: مؤسسة النشر الاسلامی، التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة.
۳۲. شهید اول، محمد بن مکی عاملی. (بی تا). القواعد والفوائد. قم: مفید.
۳۳. شهید اول، محمد بن مکی عاملی. (۱۴۱۷ق). الدروس الشرعیة فی فقه الامامیة. چاپ دوم. قم: مؤسسة النشر الاسلامی، التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة.
۳۴. شهید اول، محمد بن مکی عاملی. (۱۴۱۹ق). ذکر الشیعة. قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
۳۵. شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی. (۱۴۱۳ق). مسالك الأحكام. قم: مؤسسة المعارف الإسلامیة.
۳۶. صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (۱۴۰۶ق). ثواب الأعمال و عقاب الأعمال. چاپ دوم. قم: دار الشریف الرضی.
۳۷. صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (بی تا). معانی الأخبار. قم: مؤسسة النشر الاسلامی، التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة.
۳۸. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۰۸ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار المعرفة.
۳۹. طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۰. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحكام. چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الإسلامی.
۴۱. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق). الأمالی. قم، دار الثقافة.
۴۲. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ق). المبسوط فی فقه الإمامیة. چاپ سوم. تهران: المكتبة المرتضویة.
۴۳. عاملی، سید جواد. (۱۴۱۹ق). مفتاح الكرامة. قم: مؤسسة النشر الاسلامی، التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة.
۴۴. عاملی، محمد بن علی موسوی. (۱۴۱۱ق). مدارک الأحكام. بیروت: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.

بازشناسی تأثیر  
گونه‌های ضمیمه و انضمام  
در نیت تقرّب

۴۵. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه. (۱۴۱۵ق). **تفسیر نور الثقلین**. چاپ چهارم. قم: اسماعیلیان.
۴۶. عسکری، ابوهلال. (۱۴۰۰ق). **الفروق فی اللغة**. چاپ چهارم. بیروت: دار الآفاق الجديدة.
۴۷. علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۴ق). **تذکرة الفقهاء**. چاپ چهارم. قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
۴۸. علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۳ق). **مختلف الشيعة**. چاپ دوم. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة.
۴۹. علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۹ق). **نهایة الاحکام**. قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
۵۰. علامه حلی، حسن بن یوسف. (بی تا). **تحریر الأحکام**. مشهد: مؤسسه آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
۵۱. فخلعی، محمد تقی؛ شیخی، مجید رضا. (۱۳۹۰). **بررسی آرای فقها در مورد منافات اخذ اجرت با قصد قربت بار و یکرد به دیدگاه امام خمینی علیه السلام**. پژوهشنامه متین، ۱۳ (۵۱)، ۸۵-۱۰۴.
۵۲. فراهیدی، خلیل. (۱۴۱۰ق). **کتاب العين**. چاپ دوم. قم: هجرت.
۵۳. فیض کاشانی، محمد محسن. (بی تا). **مفاتیح الشرایع**. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۵۴. فیض کاشانی، محمد محسن. (۱۴۱۸ق). **الوافی**. چاپ دوم. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۵۵. فیض، علیرضا. (۱۳۸۷ش). **مبادی فقه و اصول**. چاپ نوزدهم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵۶. فیومی، احمد بن محمد. (بی تا). **المصباح المنیر**. قم: دار الرضی.
۵۷. قطیفی، احمد بن صالح. (۱۴۲۲ق). **رسائل آل طوق القطیفی**. بیروت: دار المصطفی لإحياء التراث.
۵۸. قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ق). **تفسیر القمی**. چاپ سوم. قم: دارا لکتاب.
۵۹. کاشف الغطاء، جعفر. (بی تا). **کشف الغطاء**. اصفهان: انتشارات مهدوی.
۶۰. کاشف الغطاء، حسن بن جعفر. (۱۴۲۲ق). **أنوار الفقاهة: الطهارة**. نجف: مؤسسه کاشف الغطاء.
۶۱. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). **الکافی**. چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الإسلامی.
۶۲. کرکی، علی بن حسین. (۱۴۱۴ق). **جامع المقاصد**. چاپ دوم. قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال ششم، شماره پیاپی ۲۵  
زمستان ۱۴۰۰

۱۸۸

۶۳. گلباغی ماسوله، سید علی جبار. (۱۳۹۶). نظریه داعی بر داعی در بونه تحلیل و نقد. جستارهای فقهی و اصولی، ۲ (۲)، ۷۹-۵۷.
۶۴. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۱۰ق). بحار الأنوار. بیروت: مؤسسة الطبع والنشر.
۶۵. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ق). مرآة العقول. چاپ دوم. تهران: دار الکتب الإسلامية.
۶۶. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام. چاپ دوم. قم: اسماعیلیان.
۶۷. مسجدسرای، حمید. (۱۳۹۳). کیفیت اعتبار قصد قربت در واجبات تعبدی. پژوهش‌های فقهی، ۱۰ (۱)، ۶۰-۲۵.
۶۸. مشکینی، علی. (بی تا). مصطلحات الفقه. قم: الهادی.
۶۹. مظفر، محمدرضا. (۱۳۷۵ش). اصول الفقه. چاپ پنجم. قم: اسماعیلیان.
۷۰. نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام. چاپ هفتم. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۷۱. نراقی، احمد. (۱۴۱۵ق). مستند الشیعة. قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
۷۲. نراقی، مهدی. (بی تا). جامع السعادات. بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۷۳. وحید بهبهانی، محمدباقر. (۱۴۲۲ق). مصابیح الظلام. قم: مؤسسه علامه بهبهانی رحمته الله علیه.
۷۴. هاشمی شاهرودی، سید محمود و گروهی از محققان. (۱۴۱۷ق). معجم فقه الجواهر. بیروت: مرکز الغدير.
۷۵. همدانی، آقارضا. (۱۴۱۶ق). مصباح الفقيه. قم: مؤسسة الجعفریة.
۷۶. طباطبائی یزدی، سید محمدکاظم. (۱۴۰۹ق). العروة الوثقی. چاپ دوم. بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.

## References

*The Holy Qurān*. Translated by Muḥammad Mahdī Fūlādwand.

1. Abū Ḥabīb, Sa‘dī. 1987/1408. *Al-Qāmūs al-Fiqhī Luqatan wa Iṣṭilāḥan*. 2<sup>nd</sup>. Damascus: Dār al-Fīkr.
2. Al-Ahwāzī, Ḥusayn ibn Sa‘īd. 1982/1402. *Al-Zuhd*. 2<sup>nd</sup>. Qom: Maṭba‘at al-‘Ilmiyyah.
3. ‘Alam al-Hudā, ‘Alī Ibn al-Ḥusayn (al-Sarīf al-Murtaḍā). 1995/1415. *Al-Intiṣār fī Infirādāt al-Imāmīyah*. Qom: Mu‘assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā‘at al-Mudarrisīn.
4. ‘Alam al-Hudā, ‘Alī Ibn al-Ḥusayn (al-Sarīf al-Murtaḍā). 1996/1417. *Al-Masā‘il al-Nāṣiriyyāt*. Tehran: Sāzimān Farhan wa Irtibāṭāt Islāmī.
5. al-‘Āmilī al-Karakī, ‘Alī Ibn al-Ḥusayn (al-Muḥaqqiq al-Karakī, al-Muḥaqqiq al-Thānī). 1993/1414. *Jami‘ al-Maqāṣid fī Sharḥ al-Qawa‘id*. 2<sup>nd</sup>. Qom: Mu‘assasat Āl al-Bayt li Ihya‘ al-Turath.
6. al-‘Āmilī, Muḥammad Ibn Makkī (al-Shahīd al-Awwal). 1997/1417. *al-Durūs al-Shar‘īyya fī Fiqh al-Imāmīyya*. Qom: Mu‘assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā‘at al-Mudarrisīn.
7. al-‘Āmilī, Muḥammad Ibn Makkī (al-Shahīd al-Awwal). 1998/1419. *Ḍhikrā al-Shī‘a fī Aḥkāṃ al-Shar‘a*. Qom: Mu‘assasat Āl al-Bayt li Ihya‘ al-Turāth.
8. al-‘Āmilī, Muḥammad Ibn Makkī (al-Shahīd al-Awwal). n.d. *al-Qawā‘id wa al-Fawā‘id fī al-Fiqh wa al-Uṣūl wa al-‘Arabīyya*. Qom: Maktabat al-Mufid.
9. al-‘Āmilī, Zayn al-Dīn Ibn ‘Alī (al-Shahīd al-Thānī). 1992/1413. *Masālik al-Afhām ilā Tanqīḥ Sharā‘i‘ al-Islām*. Qom: Mu‘assasat al-Ma‘ārif al-Islāmīyya.
10. Al-Āmulī, Muḥammad Taqī. 1960/1380. *Miṣbāḥ al-Hudā fī Sharḥ al-‘Urwat al-Wuthqā*. Tehran.
11. al-Anṣārī, Murtaḍā Ibn Muḥammad Amin (al-Shaykh al-Anṣārī). 1994/1415. *Kitāb al-Ṭahārat*. Qom: al-Mu‘tamar al-‘Ālamī Bimunasabat al-Ḍhikrā al-Mi‘awīyya al-Thānīyya li Milād al-Shaykh al-A‘zam al-Anṣārī.
12. al-Ardabīlī, Aḥmad Ibn Muḥammad (al-Muḥaqqiq al-Ardabīlī). 1982/1403. *Majma‘ al-Fā‘ida wa al-Burhān fī Sharḥ Īrshād al-Aḍḥḥān*. Edited by Mujtabā allraqī. Qom: Mu‘assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā‘at al-Mudarrisīn.
13. al-Ardabīlī, Aḥmad Ibn Muḥammad (al-Muḥaqqiq al-Ardabīlī). n.d. *Zubdat al-Bayān fī Aḥkam al-Qur‘ān*. Tehran: al-Maktabat al-Ja‘farīya li Ihya‘ al-Turāth al-Ja‘farīya.
14. Al-‘Arūsī al-Ḥuwayzī, ‘Abd ‘Alī ibn Jum‘ah. 1994/1415. *Tafsīr Nūr al-Thaqalayn*. 4<sup>th</sup>. Mu‘assasat Ismā‘īliyyān.

15. al-Bahrānī, Yūsuf Ibn Aḥmad (al-Muḥaqqiq al-Bahrānī). 1984/1405. *al-Ḥadā'iq al-Nāḍira fī Aḥkām al-'Itrat al-Ṭāhira*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
16. al-Barqī, Aḥmad Ibn Muḥammad. 1951/1371. *Al-Maḥāsīn*. 2<sup>nd</sup>. Dār al-Kutub al-Islāmīyah.
17. Al-Farāhīdī, Khalīl ibn Aḥmad. 1990/1410. *Kitāb al-'Ayn*. 2<sup>nd</sup>. Qom: Nashr Hijrat.
18. al-Fayḍ al-Kāshānī, Muḥammad Muḥsin. 1997/1418. *al-Wāfī*. 2<sup>nd</sup>. Tehran: Sāzīmān Tabliqāt Islāmī (Islamic Propagation Organization).
19. al-Fayḍ al-Kāshānī, Muḥammad Muḥsin. n.d. *Mafāṭīḥ al-Sharā'ī'*. 1<sup>st</sup>. Qom: Manshūrāt Maktabat Āyat Allāh al-'Uzmā al-Mar'ashī al-Najafī.
20. Al-Fayyūmī, Abul 'Abbās Aḥmad ibn Muḥammad. n.d. *Al-Miṣbāḥ al-Munīr fī Sharḥ al-Kabīr lil Rāfi'*. Qom: Manshūrāt Dār al-Raḍī.
21. Al-Ḥā'irī, Murtaḍā. 2005/1426. *Sharḥ al-'Urwat al-Wuthqā*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
22. Al-Hamadānī, Āqā Riḍā. 1995/1416. *Miṣbāḥ al-Faqīh*. Qom: Mu'assasat al-Ja'farīyah.
23. Al-Ḥillī al-Najafī, Ja'far ibn Khidr ibn Yaḥyā (Kāshif al-Ghiṭā'). n.d. *Kashf al-Ghiṭā'*. Iṣfahān: Intishārāt Mahdawī.
24. al-Ḥillī, Ḥasan Ibn Yūsuf (al-'Allāma al-Ḥillī). 1992/1413. *Mukhtalaf al-Shī'a fī Aḥkām al-Sharī'a*. 2<sup>nd</sup>. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
25. al-Ḥillī, Ḥasan Ibn Yūsuf (al-'Allāma al-Ḥillī). 1993/1414. *Tadhkirat al-Fuqahā'*. Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt li Iḥyā' al-Turāth.
26. al-Ḥillī, Ḥasan Ibn Yūsuf (al-'Allāma al-Ḥillī). 1998/1419. *Nihāyat al-Aḥkām fī Ma'rifat al-Aḥkām*. Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt li Iḥyā' al-Turāth.
27. al-Ḥillī, Ḥasan Ibn Yūsuf (al-'Allāma al-Ḥillī). n.d. *Tahrīr al-Aḥkām al-Sharīyat 'Alā Madhhab al-Imāmīyah*. Mashhad: Mu'assasat Āl al-Bayt li Iḥyā' al-Turāth.
28. al-Ḥillī, Najm al-Dīn Ja'far Ibn al-Ḥasan (al-Muḥaqqiq al-Ḥillī). 1986/1407. *Al-Mu'tabar fī Sharḥ al-Mukhtaṣar*. Qom: Mu'assasat al-Imām al-Sādiq.
29. al-Ḥillī, Yaḥyā ibn Aḥmad (Ibn Sa'īd). 1985/1405. *Al-Jāmi' lil Sharā'ī'*. Qom: Dar Sayyid al-Shuhadā' li al-Nashr.
30. al-Ḥurr al-'Āmilī, Muḥammad Ibn Ḥasan. al-Ḥurr al-'Āmilī, Muḥammad Ibn Ḥasan. 1998/1409. *Tafṣīl Wasā'il al-Shī'a ilā Taḥṣīl al-Masā'il al-Sharī'a*. Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt li Iḥyā' al-turāth.
31. al-Ḥusaynī al-'Āmilī, al-Sayyid Muḥammad Jawād. 2004/1419. *Miftāḥ al-Kirāma*

*fi Sharḥ Qwā'id al-'Allāma*. 1<sup>st</sup>. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.

32. al-Ḥusaynī al-Ḥalabī, Ḥamzat ibn 'Alī (Ibn Zuhra). 1996/1415. *Ghunyat al-Nuzū' ilā 'Ilmay al-Uṣūl wa al-Furū'*. Qom: Mu'assasat al-Imām al-Sādiq.

33. al-Ḥusaynī al-Rawḥānī, al-Sayyid Ṣadiq. 1991/1412. *Fiqh al-Ṣādiq*. Qom: Mu'assasat al-Imām al-Sādiq.

34. al-Ḥusaynī al-Zabīdī al-Wāsiṭī, Murtaḍā. 1994/1414. *Tāj al-'Arūs min Jawāhir al-Qāmūs*. Beirut: Dār al-Fikr.

35. Al-'Iḥsāyī, ibn Abī Jumhūr Muḥammad ibn 'Alī. 1984/1405. *'Awālī al-La'ālī al-'Azīzat fi al-Aḥādīth al-Dīnīyah*. Qom: Dar Sayyid al-Shuhadā' li al-Nashr.

36. al-Jawharī, Ismā'il Ibn Ḥammād. 1987/1407. *al-Ṣiḥaḥ: Tāj al-Lughat wa Ṣiḥaḥ al-'Arabīyyah*. 1<sup>st</sup>. Edited by Aḥmad 'Abd al-Ghafūr 'Aṭār. Beirut: Dār al-'Ilm li al-Malāyīn.

37. Al-Khawnsārī, Āqā Ḥusayn. n.d. *Mashāriq al-Shumūs fi Sharḥ al-Durūs*. Edited by Sayyid ibn al-Riḍā.

38. al-Khurasānī, Muhammad Kāzim (al-Ākhund al-Khurasāni). 1989/1409. *Kifīyat al-Uṣūl*. Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt li Iḥyā' al-Turāth.

39. al-Kulaynī al-Rāzī, Muḥammad Ibn Ya'qūb (al-Shaykh al-Kulayni). 1987/1407. *al-Kāfi*. 4<sup>th</sup>. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah.

40. al-Majlisī, Muḥammad Bāqir (al-'Allama al-Majlisī). 1984/1404. *Mirāt al-Uqūl fi Sharḥ Akhbār al-Rasūl*. 2<sup>nd</sup>. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah.

41. al-Majlisī, Muḥammad Bāqir (al-'Allama al-Majlisī). 1987/1408. *Sharā'i' al-Islām fi Masā'il al-Ḥalāl wa al-Ḥarām*. Qom: Mu'assasat Ismā'īliyyān.

42. al-Majlisī, Muḥammad Bāqir (al-'Allama al-Majlisī). 1990/1410. *Bihār al-Anwār al-Jāmi'a li Durar Akhbār al-A'imma al-Aṭhār*. Beirut: Mu'assasat al-Ṭab' wa al-Nashr.

43. al-Mishkīnī al-Ardabīlī, al-Mīrzā 'Alī. n.d. *Muṣṭalaḥāt al-Fiqh*. Qom: al-Hādī.

44. al-Mūsawī al-'Āmilī, al-Sayyid Muḥammad (Ṣāḥīb al-Madārik). 1990/1411. *Madārik al-Aḥkām fi Sharḥ Sharā'i' al-Islām*. Beirut: Mu'assasat Āl al-Bayt li Iḥyā' al-Turāth.

45. al-Mūsawī al-Khu'ī, al-Sayyid Abū al-Qāsim. 1997/1418. *Al-Tanqīḥ fi Sharḥ al-'Urwat al-Quthqā; Kitāb al-Ṭahārat*. Edited by 'Alī Gharawī. Qom: Intishārāt Lutfī.

46. al-Mūsawī al-Khu'ī, al-Sayyid Abū al-Qāsim. 1997/1418. *Mawsū'at al-Imām al-Khu'ī*. Qom: Mu'assasat Iḥyā' Āthār al-Imām al-Khu'ī.



47. al-Muzaffar, Muḥammad Riḍā. 1996/1375. *Uṣūl al-Fiqh*. 5<sup>th</sup>. Qom: Mu'assasat Ismā'īlīyān.
48. al-Najafī, Muḥammad Ḥasan. 1983/1404. *Jawāhir al-Kalām fī Sharḥ Sharā'ī' al-Islām*. 7<sup>th</sup>. Edited by 'Abbās al-Qūchānī. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.
49. al-Narāqī, Aḥmad Ibn Muḥammad Mahdī (al-Fāzil al-Narāqī). 1994/1415. *Muṣṭanad al-Shī'a fī Aḥkām al-Sharī'a*. 1<sup>st</sup>. Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt li Iḥyā' al-Turāth.
50. al-Narāqī, Muḥammad Mahdī (al-Muḥaqiq al-Narāqī). n.d. *Jāmi' al-Sa'ādāt*. Beirut: Mu'assasat al-A'lamī li al-Maṭbū'āt.
51. Al-Qaṭīfī, Aḥmad ibn Ṣāliḥ. 2001/1422. *Rasā'il Āl-i Ṭuq al-Qaṭīfī*. Beirut: Dār al-Muṣṭafā li Iḥyā' al-Turāth.
52. Al-Rāghib al-Iṣfahānī, Ḥusayn ibn Muḥammad ibn Mufaḍḍal. 1992/1412. *Mufradat Alfāz al-Qur'ān*. Lebanon: Dār al-Shāmīyah.
53. al-Sanad al-Baḥrānī, Muḥammad. 1994/1415. *Sanad al-'Urwat al-Wuṭḥā: Kitāb al-Ṭahārat*. Qom: Intishārāt Fadak.
54. al-Siywarī al-Ḥillī, Miqdād Ibn 'Abd Allāh (Fāḍil Miqdād). n.d. *Kanz al-'Irfān fī Fiqh al-Qurān*. Qom: al-Maktabat al-Murtaḍawīya.
55. Al-Ṭabarsī, Amīn al-Islām Faḍl ibn Ḥasan. 1987/1408. *Majma' al-Bayān fī Tafsīr al-Qurān*. Beirut: Dār al-Ma'rifat.
56. al-Ṭabāṭabā'ī al-Burūjirdī, al-Sayyid Ḥusayn. 1995/1416. *Taqrīr Baḥṭh al-Sayyid al-Burūjirdī*. Written by Ishtihārdī. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
57. al-Ṭabāṭabā'ī al-Yazdī, al-Sayyid Muḥammad Kāzim. 1988/1409. *al-'Urwat al-Wuṭḥā fīmā Ta'ummu bihī al-Balwā*. 2<sup>nd</sup>. Beirut: Mu'assasat al-A'lamī li al-Maṭbū'āt.
58. Al-Ṭūsī al-Ṭūsī, Muḥammad Ibn Ḥasan (al-Shaykh al-Ṭūsī). n.d. *al-Tibyān fī Tafsīr al-Qurān*. Edited by al-Sayyid Muḥammad Ṣādiq Āl Baḥr al-'Ulūm. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.
59. al-Ṭūsī, Muḥammad Ibn Ḥasan (al-Shaykh al-Ṭūsī). 1967/1387. *al-Mabsūṭ fī Fiqh al-Imāmīyya*. 3<sup>rd</sup>. Tehran: al-Maktabat al-Murtaḍawīya li 'Iḥyā' al-Āthār al-Ja'farīyah.
60. al-Ṭūsī, Muḥammad Ibn Ḥasan (al-Shaykh al-Ṭūsī). 1986/1407. *Tahḍīb al-Aḥkām*. 4<sup>th</sup>. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya.
61. al-Ṭūsī, Muḥammad Ibn Ḥasan (al-Shaykh al-Ṭūsī). 1993/1414. *Al-Amālī*. Qom: Dār al-Thiqāfat.
62. al-Waḥīd al-Bihbahānī, Muḥammad Bāqir. 2001/1422. *Maṣābiḥ al-Zalām fī Sharḥ*

- Mafātilh al-šhrā'i*. Qom: Mu'assasat al-'Allāma al-Mujaddid al-Wahīd al-Bihbahānī.
63. al-Zamakhsharī al-Khārazmī, Maḥmūd Ibn 'Umar (Jār Allāh). 1999/1417. *al-Fā'iḳ fī Gharīb al-Ḥadīth*. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyya.
64. 'Askarī, Abū Halāl. 1980/1400. *Al-Frūq fī al-Lughat*. 4<sup>th</sup>. Beirut: Dār al-Āfāq al-Jadīdah.
65. Fakhla'alī, Muḥammad Taqī; Shaykhī, Majid Riḍā. 2011/1390. *Barrasī-yi Ārā-yi Fuqahā dar Mawrid-i Munafat-i Akhdh-i Ujrat bā Qaṣd-i Qurbat bā Ruykard bi Dīdgāh Imām Khumaynī (r)*. Pazhūhishnāmih-yi Matīn, 13 (51), 85-104.
66. Fayḍ, 'Alīriḍā. 2008/1387. *Mabādī Fiqh wa Uṣūl*. 19<sup>th</sup>. Tehran: Dānīshgāh-i Tehrān (Tehran University).
67. Gulbāqī Māsūlih, Sayyid 'Alī Jabbār. 2017/1396. *Naẓariyih Dā'ī bar Dā'ī dar Būtiḥ-yi Taḥlīl wa Naqd*. Juṣṭārḥā-yi Fiqhī wa Uṣūlī, 2 (2), 57-79.
68. Ibn Bābiwayh al-Qommī, Muḥammad Ibn 'Alī (al-Shaykh al-Ṣadūq). 1985/1406. *Thawāb al-A'māl wa 'Iqāb al-A'māl*. 2<sup>nd</sup>. Qom: Dār al-Sharīf al-Raḍī.
69. Ibn Bābiwayh al-Qommī, Muḥammad Ibn 'Alī (al-Shaykh al-Ṣadūq). 1983/1404. *Tafsīr al-Qommī*. 3<sup>rd</sup>. Qom: Dār al-Kitāb.
70. Ibn Bābiwayh al-Qommī, Muḥammad Ibn 'Alī (al-Shaykh al-Ṣadūq). n.d. *Ma'ānī al-Akhdhār*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
71. Ibn Manzūr, Muḥammad Ibn Mukarram. 1993/1414. *Lisān al-'Arab*. Beirut: Dār al-Fīkr lil Ṭibā'at wa al-Nashr; Dār Ṣadir.
72. Ja'farī Langarūdī, Muḥammad Ja'far. 2017/1396. *Mabsūṭ dar Tirminuluzhī-yi Ḥuqūq*. Tehran: Ganj-i Dānīsh.
73. Kāshif al-Ghiṭā', Ḥasan ibn Ja'far. 2001/1422. *Anwār al-Fiqāha (Kitāb al-Ṭahārat)*. Najaf: Maṭba'at Kāshif al-Ghiṭā' al-'Āmma.
74. Masjid Sarāyī, Ḥamīd. 2014/1393. *Kayfiyat I'tibār Qaṣd-i Qurbat dar Wājibāt-i Ta'abudī*. Pazhūhish-hāyi Fiqhī, 10 (1), 25-60.
75. Research Group under the supervision of, al-Sayyid Maḥmūd al-Hāshimī al-Shāhrūdī. 1996/1417. *Mu'jam Fiqh al-Jawāhir*. Beirut: Markaz al-Ghadīr.
76. Sallār Daylamī, Ḥamzat ibn 'Abd al-'Azīz. 1984/1404. *Al-Marāsīm al-'Alawīyat wa al-Aḥkām al-Nabawīyah*. 1<sup>st</sup>. Qom: Manshūrāt al-Ḥaramayn.